

نفس رهبران موفته اسلامي از کدام تنور گرم در مي آيد!

زنجيري که کميته امداد به پاي مردم بسته

پيرامون توان جبهه راست براي به خيابان كشانان چند صد هزار نفر در تهران و چند ده هزار نفر در شهرهاي بزرگ ديگر ايران حدس و گمان هاي مختلفي زده مي شود. شايد هنوز توهم توان به خيابان كشانان مردم با شعارهاي مذهبي و باصطلاح دفاع از ارزش هاي ديني در ميان برخي از رهبران روحاني و غير روحاني اين جبهه وجود داشته باشد، اما حقيقت در جاي ديگري نهفته است؛ در امكان اقتصادي جبهه راست و بندهاي مالي كه تا دورافتاده ترين روستاهاي ايران به دست و پاي مردم بسته شده است. در خراسان انبوه جيره بگيران و اجاره نشينان آستانقدس رضوي، در قم خانواده و بستگان روحانيوني كه به نوعي زندگي شان با حوزه علميه پيوند خورد ه است. در اصفهان وابستگان به كارخانه ها و زمين هاي مصادره اي كه در اختيار حوزه علميه اين شهر قرار گرفته، در تبريز، شيراز و ديگر شهرها به همين سبك و سياق جمع زيادي جيره بگير و حقوق بگير اين نهادها هستند. بسج جديدي كه موفته اسلامي آن را هدايت مي كند، بازماندگان قربانيان جنگ كه درمان و مسكن و خرج زندگي شان با ريسمان هاي مختلف به نهادهاي نظير كميته امداد امام و شوراي تبليغات اسلامي بسته شده است. در همين شهرها، انبوه روستائياني كه كوچ کرده و به حاشيه نشينان شهرها تبديل شده اند نيروي ذخيره جبهه راست اند. روستائيان باقي مانده در روستاها نيز به نوع ديگري در كمند كميته امداد امام به اسارت گرفته شده اند.

همين است كه هرگاه سخن از تحقيق و تفحص پيرامون نهادهاي خارج از كنترول دولت به ميان مي آيد فرياد جبهه راست به آسمان بر مي خيزد و هر گاه كه از ضرورت تمرکز نهادهاي نظير كميته امداد به سازمان تامين اجتماعي سخن به ميان مي آيد چند ترور روي دست دولت گذاشته مي شود. به اين ترتيب است كه 80 درصد قدرت اقتصادي در دست جبهه راست است و با اين قدرت، بسج نيروي سياسي مي كند. ريشه اي ترين تحول در جمهوري اسلامي با انحلال بسياري از اين نهادها و برقراري نظارت مجلس و دولت بر آنها آغاز مي شود. نظارتي كه حداقل دولت و مجلس خواهند توانست بر بودجه اي كه بعنوان بودجه دولتي در اختيار آنها گذاشته مي شود نظارت داشته باشند و وابستگان مالي اين نهادها خود را ابزار سياسي آنها ندانند. تجارت ديگر يك لقمه نان حلال نيست، بلكه يك لقمه بزرگ سياسي است كه در گروي مردم ايران گير کرده است. تجارت نيز از دل همين نهادها و مافيايي حاكم بر آنها بيرون آمده و چون خنجري بر پهلوئي توليد ملي و كشاورزي ايران فرو رفته است.

شهربانو امانی نماینده مجلس از ارومیه، شايد از نادر نمايندگان مجلس باشد كه در هياهو ناشي از جنجال سازي هاي جبهه راست براي فلج كردن اصلاحات، هنگام سخنراني براي

موكلين خود در همين شهر انگشت بر بخشي از واقعيات بالا گذاشت و اين درست در روزهاي بود كه اسدالله بادامچيان و محمدرضا ترقي و حاج حبيب الله عسگر اولادي شانه به شانه آيت الله مشگيني و آيت الله يزدي در قم و تهران سرگرم ميوه چيني از ماجراي چاپ يك طرح در روزنامه حيات نو بودند و مجلس و دولت را سرگرم بازي خود کرده بودند. در اين طرح شباهتي به آيت الله خميني يافته بودند، در حاليكه طرح مذکور مربوط به 65 سال پيش و در ارتباط با جدال قوه قضائيه و نهاد رياست جمهوري در امريكا بود. شهربانو امانی در همين دوران در اروميه و در جمع دانشجويان دانشگاه اين شهر گفت:

"همه در صحبت هايشان اتفاق نظر دارند كه توسعه ي کشور بر مبناي كشاورزي است، اما وقتي تقسيم بودجه ي ملي را مي بينيم، حمايت از صنايع خودروسازي (مونتاژ رو به ورشكستگي خودروسازي ايران) بيشتتر از بخش كشاورزي است. وقتي در فصل برداشت چغندر قند، از اسكله هايي با مجوزهاي مشكوك، شكر وارد کشور مي شود يا زمان برداشت گندم، براي خريد گندم با خارج از کشور قرارداد بسته مي شود و يا در فصل برداشت برنج، برنج وارد کشور مي کنند، طبيعي است كه كشاورزي ما دچار مشكل شود.

چرا كسي نيست پاسخ دهد. پولي را كه براي خريد گندم خارجي اختصاص مي دهيد، چرا به گندم داخلي اختصاص نمي دهيد؟ اين چه حلقه اي است كه دوست دارد گندمكار را غارت و كشاورزي را نابود كند؟ رانت و واردات برنج به جيب چه كسي مي رود؟ تا زماني كه واردات خارجي محصولات كشاورزي با وزارتخانه اي كه سياستگذار در اين امر است در كنار هم نباشد، اتفاق هايي از اين دست طبيعي است.

دست هايي پنهان در امر شيلات کشور وجود دارد. در بخش شيلات ۲/۴ تا ۳ تن در هكتار برداشت مي شود در حالي كه تايلند حاضر است با سرمايه گذاري در اين بخش از هر هكتار ۷ تا ۸ تن برداشت كند و خودش نيز خريدار باشد. حصارهايي را دور اين بخش كشيده اند و نمي گذارند دامدار ما، كشاورز ما و كساني كه در شيلات سرمايه گذاري مي کنند، به نتايج مطلوب برسند.

زندگي نكردن جوانان روستايي در روستا و مهاجرت كشاورزان توليد كننده يكي از دغدغه هاي مجلس است. امروزه چه شده است كه با آن كه خدمات رفاهي زيادي به روستاها رسیده است و حتي طي روزهاي اخير بحث بر اين بود كه روستاهاي بالاي ۱۰ خانوار نيز برق دارد (اشاره به يكي از نماز جمعه های هاشمي رفسنجاني) با اين وجود كسي در روستاها نمانده است.

اماني افزود: گردانندگان چرخه ي توليد قبل از انقلاب ۶۰ درصد روستايي بودند، ولي اين رقم امروزه به ۵۰ درصد رسیده است و در روستاها به جز عده اي مابقي تحت پوشش كميته امداد و مستمري بگير باقي مانده اند.

اين را بايد سياستگذاران و حاكميت جواب دهد كه از ۱۰ هزار ميليارد تومان يارانه سال ۸۱ چند درصدش به دست نمازندان واقعي - يعني روستاييان - رسیده است.

در همين شهر اروميه بهترين زمين ها و باغ ها را به ساختمان تبديل کرده اند، در حالي كه بسياري از ساختمان هاي اروميه خالي از سکنه است و حتي در اين زمينه عده اي هم در زنداند. " (نقل سخنراني از خبرگزاري دانشجويي ايسنا)